

تحلیل رابطه‌ی تقابل معنایی فضل در قرآن کریم براساس معناشناسی ساختگرا

زهرا پرناک^۱

چکیده:

تقابل معنایی یکی از مجموعه روابط مفهومی بنیادین و منسجم در ساختار معنایی زبان است که به صورت یک الگوی نظام‌مند و کاربردی در معناشناسی ساختگرا در جهت کشف میدان معنایی واژگان به کار گرفته می‌شود. تقابل معنایی، نقش محوری در شناخت هویت، ارزش و گستره‌ی معنایی یک واژه یا عبارت ایفا می‌کند. واژه‌ی فضل به عنوان یکی از برجسته‌ترین صفات الهی در قرآن کریم، سهم قابل توجهی در ترسیم جهان‌بینی تکوینی و تشریعی دارد. از این رو، بررسی دقیق معنایی و شناخت جایگاه آن در شبکه‌ی معنایی قرآن، امری ضروری است. زیرا کشف رابطه‌ی تقابل معنایی فضل با دیگر واژگان، در تعیین جایگاه آن در جهان‌بینی قرآن و روشن شدن معنای دقیق و کاربرد آن در زندگی فردی و اجتماعی اهمیت بسیاری دارد.

از این رو، با تبیین مؤلفه‌ی معنایی فضل یعنی زیادت و فزونی، حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که از بین انواع روابط تقابلی، واژه‌ی «فضل» در قرآن کریم با واژگانی نظیر؛ ظلم، خسران و سوء رابطه‌ی تقابل مدرّج، با واژگانی مانند کذب، عذاب، فحشاء و منکر، شرک و بخل رابطه‌ی تقابل مکمل، و با مفاهیمی چون ضرّ و فقر رابطه‌ی تقابل دوسویه و با فساد و فقدان ولیّ و نصیر رابطه‌ی تقابل واژگانی نیز وجود دارد.

واژگان کلیدی: معناشناسی ساختگرا، روابط مفهومی، رابطه‌ی تقابل معنایی، فضل

^۱. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، تربیت مدرس صدیقه کبری سلام الله علیها، قم karimehahlebeyt@yahoo.com

مقدمه:

قرآن کریم، به عنوان معجزه‌ی جاودان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، منبعی غنی از معارف الهی و الگوهای کامل انسانی است. بهرمندی و درک صحیح از آموزه‌های آن، نیازمند استفاده از روش‌های دقیق علمی است. پژوهشگران در هر عصری همواره با ابزار و دانش موجود به دنبال فهم این معارف عظیم و حیانی بوده‌اند. در عصر حاضر با ظهور علوم نوین همچون زبان‌شناسی و معناشناسی، پژوهشگران نیز با بهره‌گیری از نظریه‌های نوین در معناشناسی به توصیف دقیق معنای واژگان قرآنی برآمدند. یکی از این روش‌ها که نقش مهمی در فرایند معناشناسی زبانی ایفا می‌کند و به بررسی روابط مفهومی بین واژگان پرداخته، مکتب ساختگراست.

«معناشناسی ساختاری که توسط فردینان دوسوسور بنیان‌گذاری شده، شاخه‌ای از معناشناسی هم‌زمانی است که بر مطالعه هم‌زمان عناصر زبانی و روابط ساختاری بین آن‌ها در یک زبان خاص تمرکز دارد. این روش به عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظریه‌های زبان‌شناسی مدرن شناخته شده و تأثیر شگرفی بر توسعه‌ی نظریه‌های زبانی در قرن بیستم داشته است» (جاناتان، ۱۳۷۹، ص ۹۲). «کریستال، معناشناسی ساختگرا را شاخه‌ای از معناشناسی دانسته که براساس اصول زبان‌شناسی ساختگرا و با تمرکز بر تحلیل روابط معنایی به بررسی و توصیف معانی واژه‌ها می‌پردازد. این گونه از معناشناسی در مقابل حوزه‌هایی مانند واج‌شناسی ساختگرا - که به مطالعه صداها و زبان می‌پردازد - و صرف‌ساختگرا - که به مطالعه شکل کلمات می‌پردازد - قرار می‌گیرد» (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲). «در مکتب ساختگرایی، سه نظریه‌ی اصلی برای تبیین دقیق معانی واژگان و مفاهیم در یک زبان ارائه شده است که عبارتند از؛ نظریه‌ی حوزه‌ی واژگانی، تحلیل مؤلفه‌ای و تحلیل رابطه‌ای. نظریه‌ی تحلیل رابطه‌ای، بررسی روابط مفهومی بین مفاهیم را برعهده دارد. و شمول‌معنایی، هم‌معنایی، جزء‌واژگی و تقابل معنایی از عمده‌ترین روابط مفهومی می‌باشد» (گیرتس، ۱۳۹۵، صص ۱۸۵-۱۹۷). از آنجا که در سطوح مختلف زبانی، تک‌واژه، واژه، گروه و جمله می‌توان به تحلیل روابط مفهومی پرداخت. پژوهش پیش‌رو در صدد است تا براساس نگرش سوم یعنی نظریه‌ی تحلیل رابطه‌ای، بر مبنای واژه به بررسی تقابل معنایی واژه‌ی فضل بپردازد. پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون معناشناسی واژه‌ی فضل در قرآن کریم بر دو رویکرد متمرکز شده‌اند. ۱- زهرا محمدحسینی «معناشناسی فضل در قرآن» پایان‌نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی دکتر سید هدایت جلیلی، (۱۳۹۱) با رویکرد معناشناسی واژگانی ۲- مریم حسین‌پور، «معناشناسی فضل در قرآن کریم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی دکتر اصغر فرهادی، (۱۳۹۴) با رویکرد معناشناسی قومی و فرهنگی با الهام از نظریه‌ی ایزتسو به تبیین واژه‌ی فضل پرداختند. لذا هیچ یک از پژوهش‌های ذکر شده به تحلیل روابط مفهومی با رویکرد معناشناسی ساختگرا به جایگاه واژه‌ی فضل در شبکه معنایی قرآن نپرداخته‌اند. همچنین دو پژوهش دیگر با رویکرد مفهوم‌شناسی نگاشته شده که عبارتند از: ۱- سمیه طباطبایی‌پور، «آموزه فضل الهی از نگاه قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی آقای شهاب‌الدین ذوققاری، (۱۳۸۸)، ۲- مریم موسوی، «مفهوم‌شناسی فضل در قرآن و روایات»، نشریه مبلغان، شماره ۱۴۹، (۱۳۹۰)، این دو پژوهش نیز بر اساس الگوهای معناشناسی تبیین نشده‌اند.

بنابراین، تاکنون پژوهشی مستقل بر اساس منطق تقابل‌های معنایی فضل در حوزه‌ی معناشناسی نوین ساختارگرایی انجام نشده است. از این رو، ضرورت انجام پژوهشی مستقل در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود. و پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، براساس رویکرد معناشناسی ساختگرا و نگرش معناشناسی رابطه‌ای، رابطه‌ی تقابل معنایی فضل در

قرآن کریم تحلیل شده است. و همین رویکرد، نقطه‌ی تمایز پژوهش حاضر از دیگر پژوهش‌های پیشین می‌باشد که موجب نوآوری شده است. این پژوهش نیز به دنبال پاسخگویی به سؤالات ذیل است: فضل در آیات قرآن، با چه واژگانی رابطه‌ی تقابل معنایی دارد؟ این رابطه چه تأثیری در شناخت حوزه‌ی معنایی فضل داشته است؟

۲. واکاوی مفاهیم در معاجم لغوی:

۱-۲. معنای فضل:

دایره‌ی معنایی وسیع «فضل» و مشتقات آن، بیانگر پرکاربرد بودن این واژه در قرآن کریم است که ۱۰۴ مرتبه در آیات مختلف به کار رفته است. از این تعداد یک مورد به غیر خدا نسبت داده شده است. ۸۴ مرتبه به صورت اسم و ۱۸ مرتبه به صورت فعل ثلاثی مزید و ۲ مرتبه به صورت مصدر در قرآن آمده است.

معاجم لغوی عربی معانی متعددی برای واژه‌ی «فضل» بر شمرده‌اند. از جمله؛ زیادت (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۰۸؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۷۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۴۳؛ أحمد مختار، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۱۷۱۹) یا زیادت و بیشتر بودن از حد کفایت، افزون بر کم یا درگذشتن از حد اعتدال در کاری یا چیزی. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۳۹) برتری و نیز فزونی و مقدار زاید بر حد وسط (شریعتمداری، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۱) زیادتی افزون بر مقدار لازم و مقرر است نه مطلق زیادتی و با توجه به این معنا بر واژگانی همچون؛ خیر، شرف، باقیمانده‌ی چیزی و زیادی مال قابل اطلاق است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۰۶) همچنین به معانی دیگر نظیر؛ برتری و احسان (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۰۸؛ الشرتونی اللبانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۷۶؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۸۳) برتری، درجه رفیع، غلبه (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۲۴) خلاف نقصان و پستی (ابن درید الأزدی، ۱۹۸۷، ص ۹۰۷؛ الجوهری الفارابی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۲۴؛ الحنفی الرازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۴۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۱؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۵۷۸) باقی مانده چیزی (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۳؛ محمد بن أحمد بن الأزهري الهروي، ۲۰۰۱، ج ۱۲، ص ۲۹؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۲۰۶؛ ابراهیم، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۶۹۳) نیز آمده است.

بنابراین با توجه به معانی ذکر شده می‌توان گفت معنای اساسی واژه‌ی «فضل» زیادت و فزونی است که به عنوان مزیت و برتری محسوب می‌شود. و در موضوعات مختلف همچون؛ درجه رفیع، غلبه، خیر، عطا و... که بیانگر نوعی از مصداق زیادت هستند، کاربرد دارد و همه در راستای همان معنای اساسی قابل تحلیل می‌باشند. اما درباره‌ی معنای نسبی و کاربردی فضل در قرآن برخی از واژه پژوهان هفت معنا (دامغانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۵) و بعضی هشت معنا (عسکری، ۱۴۲۸، صص ۳۸۵-۳۸۷) و برخی نیز سیزده معنا آورده‌اند. (الحیری النیسابوری، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۴۴۵-۴۴۶) بدیهی است که این تفاوت معنا به سیاق و بافت جمله بستگی دارد؛ یعنی کلمات هم‌نشین نقش مؤثری را در تعیین معنای واژه ایفا می‌کنند. از این رو، این واژه مفهوم گسترده‌ای دارد و همه‌ی نعمات الهی را دربرداشته و مصادیق متعددی را شامل می‌شود.

۲-۲. معنای تقابل:

تقابل در لغت به معنای مواجهه (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۶۶؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۹۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۴۰؛ مطلوب، بی تا، ص ۶۳۵؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۴۹۰؛ زین الدین الرازی، ۱۴۲۹، ص ۳۲۲) و روبه‌رو شدن بعضی با بعضی دیگر یا با جسم یا با عنایت، محبت، احترام و بزرگداشت. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۵۴) است. همچنین به معنای انجام کاری در مقابل کاری یا همان جزا و کیفر آمده که یا با لفظ صورت می‌گیرد و یا مطلق کیفر است. (العسکری، ۱۴۱۹، ص ۳۳۷)

۳. روابط مفهومی و انواع آن

«بررسی روابط مفهومی میان واژگان زبان، از دیرباز یکی از مهم‌ترین مباحث بنیادین در حوزه مطالعات معناشناختی بوده است. این موضوع، به‌ویژه در بین اندیشمندان مسلمان، مورد توجه و کاوش‌های عمیق قرار گرفته است.» (دو سوسور، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹). «روابط مفهومی عبارتند از پیوندها و روابطی است که در ساختار معنایی زبان، بین مفاهیم گوناگون در سطح واژگان برقرار است.» (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۵۸). در معناشناسی ساختاری براساس روابط مفهومی، افزون‌بر روابط هم‌نشینی، روابط جانشینی از اهمیت خاصی برخوردار هستند. روابط مفهومی جانشینی میان اعضای یک مقوله‌ی دستوری و با جایگزینی آن‌ها با یکدیگر طرح می‌شوند. (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۸۶) روابط مفهومی بر دو نوع‌اند: گروهی از آن‌ها تابع جانشینی و گروهی تابع هم‌نشینی هستند. «رابطه‌ی جانشینی میان روابطی مانند شمول معنایی، هم‌معنایی و تقابل مطرح است که با توجه به استلزام و نقض آن معرفی می‌شود. (لاینز، ۱۳۵۷، صص ۱۸۶ - ۱۸۷). بدین جهت «تأکید ساختارگراها بر تقابل‌های جانشینی، نشان از اهمیت ویژه این رابطه دارد.» (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). و رابطه‌ی چندمعنایی براساس هم‌نشینی واژه‌ها با یکدیگر به‌دست می‌آید.

۳-۱. رابطه‌ی تقابل معنایی:

«تقابل معنایی، یکی از انواع روابط بین مفاهیم در علم معناشناسی زبانی است. و این اصطلاح در زمان بحث در مورد مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی، معنای متضاد واژه‌ها به‌کار می‌رود. در دانش معناشناسی به‌جای تضاد غالباً از واژه‌ی تقابل استفاده می‌شود، زیرا تضاد صرفاً نوعی از تقابل محسوب می‌شود.» (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷)

رابطه‌ی تقابل بیش از دیگر روابط مفهومی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. و انواع مختلفی از آن براساس دیدگاه‌های متفاوت معناشناسان، با اصطلاحات و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی معرفی شده‌اند. از این رو، معناشناسان بر شش نوع تقابل معنایی در واژگان توافق دارند که عبارتند از: تقابل مدرج، تقابل مکمل، تقابل دوسویه، تقابل جهتی، تقابل واژگانی، تقابل ضمنی و تقابل چندوجهی (تباین معنایی) می‌باشد. بنابراین تقابل‌های معنایی فضل در آیات و براساس انواع ذکر شده بررسی می‌شوند.

۳-۱-۱. تقابل مدرج:

«تقابل مدرج، بین صفاتی وجود دارد که براساس کیفیت، قابلیت درجه‌بندی دارند. یکی از معیارهای صوری این تقابل‌ها، کاربرد آن‌ها به شکل صفت تفضیلی است. به‌عنوان مثال، رابطه‌ی تقابل بین صفت‌هایی نظیر پیر / جوان، بلند / کوتاه، که از جهت کیفیت درجه‌بندی می‌شوند و می‌توان به شکل صفت تفضیلی به‌کار برد. یعنی «پیرتر، بلندتر». در چنین شرایطی، نفی یکی از مفاهیم متقابل، الزاماً اثبات واژه‌ی دیگر نیست. برای مثال، (زید پیر نیست) لزوماً به‌این معنی نیست که (زید جوان است).» (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸) از این رو، تقابل مدرج، در بین زوج‌های متقابلی برقرار است که به‌جهت کیفیت قابل درجه‌بندی باشند. «در این گونه از تقابل، در صورتی دو محمول در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند که در دو انتهای متقابل مقیاس پیوستاری ارزش‌ها باشند. اگر صفت با very (خیلی)، very Much (خیلی‌زیاد)، how (چه‌قدر) و how much (چه‌مقدار) آورده شود، مدرج خواهد بود؛ برای نمونه صفت «tall (بلند)» مدرج است چون می‌تواند با «how» بیاید و گفته شود: «How tall is he؟» (او چقدر بلند (قد) است؟) / قد او چقدر است؟» ولی «top (بالا)» مدرج نیست؛ زیرا پذیرفتنی نیست که بگوییم: «How top is that shelf؟» (آن قفسه چقدر بلند است؟)» (هرفورد و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۱۲۵).

۳-۱-۱-۱. تقابل مدرج فضل و ظلم

در آیهی «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر: ۳۲) خدای متعال به امتی برگزیده اشاره نموده که در میان آن‌ها گروهی هستند که با بی‌توجهی به وظیفه‌ی خطیر خود و خروج از مسیر صراط مستقیم مصداق «ظالم‌لنفسه» شدند. براین اساس، تقابل معنایی میان واژه‌ی «فضل» و ظلم از آیه قابل برداشت است؛ چراکه فضل الهی که از آن با عنوان «فضل‌کبیر» یاد شده، شامل حال «ظالم‌بنفسه» نمی‌شود.

در معاجم لغوی ظلم به معانی «گرفتن حق دیگری» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۶۳) «قرار گرفتن چیزی در غیر موضع خود» (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۷۷؛ راغب‌اصفهان‌ی، ۱۴۱۲، ص ۵۳۷؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۷۳؛ قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۷۰) «جور و تجاوز از حد» آمده است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۰۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۴۴۸؛ ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۶۱)

در تفسیر «فضل‌کبیر» برخی از مفسران معتقدند که چند وجه احتمال داده شده؛ «یک. توفیقی دانسته شده از جانب خدای متعال بر سابقین بالخیرات که عبارت «إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» بر آن دلالت دارد. دو. سبقت گرفتن بر انجام کارهای خیر و نیکوکاری به‌عنوان فضل بزرگ تفسیر شده است. سه. بنابر وجه مشهور، منظور از فضل بزرگ، همان میراث کتاب الهی است.» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۲۳۹) «برخی از مفسران مراد از فضل را ایراث یا إصطفاء و یا سبقت کردن به‌خیرات دانستند.» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۵۹) «برخی نیز به ایراث‌الکتاب و برگزیدگی اشاره نمودند.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۳۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۳۷۰؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۶) «بعضی سبقت گرفتن در انجام کارهای نیک را به‌عنوان فضل بزرگ و بی‌ظنیری می‌دانند که هیچ چیز بر آن برتری ندارد.» (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۳۰)

واژگان متقابل فضل و ظلم را می‌توان به‌صورت صفت تفضیلی به‌کار برد؛ مثل «أفضل / أظلم». کاربرد این صفات به‌صورت تفضیلی نشان می‌دهد که از جهت کیفیت قابل درجه‌بندی هستند. افزون براین، نفی هر یک از این واژگان متقابل إلزاماً اثبات دیگری نیست. یعنی این‌طور نیست که اگر چیزی فضل نباشد حتماً ظلم است؛ زیرا ممکن است حدّ وسطی وجود داشته باشد؛ بدین معنا که دو مفهوم متقابل در دو انتهای پیوستار ارزش‌ها باشند. پس چیزی ممکن است نه فضل باشد و نه ظلم. مثل بسیاری از اعمال روزمره‌ی انسان نظیر؛ فعل خوردن که برای ادامه‌ی حیات ضروری است. بنابراین، با توجه به معنای لغوی ظلم و روشن شدن فضل الهی در آیه، ظلم در تقابل مدرّج با فضل قرار می‌گیرد. البته می‌توان این رابطه را از نوع رابطه‌ی دوسویه نیز دانست. با این بیان که ظلم از سوی انسان و فضل از سوی خدای متعال صورت می‌گیرد.

۳- ۱- ۲. تقابل مدرّج فضل و خسران

«ثُمَّ تَوَكَّلْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (بقره: ۶۴)

خسران از ماده‌ی «خسر» به‌معنای «نقصان» آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۸۶؛ قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۴۲) برخی به‌معنای «گمراهی» دانستند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۳۹؛ الجوهری‌الفارابی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۵) برخی دیگر «هلاکت» معنا کردند. (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۶۹) خسر و خسران به‌معنای کم شدن سرمایه است. این معنا، هم در سرمایه و دستاوردهای مالی و دنیوی کاربرد دارد و هم شامل نقصان و زیان نفسانی و روانی نظیر؛ فقدان سلامتی، عقل، ایمان و ثواب می‌شود. (راغب‌اصفهان‌ی، ۱۴۱۲، صص ۲۸۱-۲۸۲)

«از عبارت فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ استفاده می‌شود که بنی‌اسرائیل در اثر رویگردانی و مخالفت با فرمان خدا، مستحق عذاب و خسران شدند. اما به فضل و رحمت الهی، از این عذاب مصون ماندند. حکمت این مهلت آن بود که فرصتی برای توبه و بازگشت به‌سوی خدا پیدا کنند یا این که مؤمنانی از نسل آن‌ها به‌وجود آیند.» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۱) «دیگر مفسران مراد

«از دیدگاه علم منطق، در رابطه‌ی تباین، معانی واژگان با کثرت و تعدد آنها، متعدد می‌شوند؛ برای نمونه؛ دو واژه‌ی «انسان و ناطق» باهم متباین هستند؛ زیرا معنای هر یک غیر از معنای دیگری است؛ هرچند در همه‌ی افراد با یکدیگر مشترک می‌باشند.» (المظفر، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۲)

بنابراین، با بررسی در آیاتی که واژه‌ی «فضل» به کار رفته، رابطه‌ی تقابل جهتی، ضمنی و چند وجهی یافت نشد.

۴. نتیجه:

نتایج حاصل از این مقاله به شرح ذیل است:

- ۱- معناشناسی نوین ساختگرا، روابط مفهومی را به عنوان یکی از راه‌های کشف و فهم معنا دانسته است. گیررتس معتقد است سه نگرش اصلی یعنی؛ نظریه‌ی حوزه‌ی واژگانی، تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی رابطه‌ای برای معناشناسی واژگانی وجود دارد. براین اساس، نگرش سوم، روش تبیین روابط مفهومی میان واژه‌های مرتبط باهم را مشخص می‌کند. از میان شناخته‌ترین روابط مفهومی، تحلیل رابطه‌ی تقابل معنایی براساس معناشناسی ساختگرا به عنوان یکی از ویژگی‌های ذاتی در یک زبان و مهم‌ترین ارکان اساسی علم معناشناسی، نقش محوری در درک دقیق معانی واژگان ایفا می‌کنند. با شناسایی و تحلیل دقیق تقابل‌های معنایی، افزون بر ترسیم مرزهای معنایی واژگان در یک میدان معنایی وسیع‌تر، می‌توان به درک عمیق‌تری از ساختار درونی زبان و چگونگی شکل‌گیری معانی پیچیده از ترکیب ساده‌ی واژگان دست یافت.
- ۲- کشف مراد الهی از آیات قرآن، مستلزم درکی ژرف و جامع از واژگان آن است. این درک عمیق زمانی به کمال می‌رسد که با مقایسه و تحلیل واژه‌ها با تقابل ضدّ آن‌ها همراه شود. به عبارت دیگر، شناسایی تقابل‌های معنایی در واژگان قرآنی، نقش بسزایی در فهم دقیق آیات و نظریه‌پردازی در حوزه‌ی تفسیر دارد. مفسران با شناخت دقیق حوزه معنایی واژه‌ها و تحلیل تقابل‌های موجود در آن‌ها، می‌توانند به درک بهتری از مقصود خدای متعال در آیات قرآن دست یابند.
- ۳- حاصل‌شدن این رابطه، با شناسایی مؤلفه‌ی معنایی واژه‌ی فضل بدست می‌آید. این مفهوم در معنای اساسی خود بر محور یک مؤلفه‌ی ثابت و هسته مرکزی استوار است. و در تمام کاربردهای آن لحاظ شده است. و حوزه‌ی معنایی فضل در رابطه‌ی تقابل معنایی بر طبق این مؤلفه تعیین می‌شود.
- ۴- «زیادت و فزونی» مؤلفه و هسته‌ی اصلی معنایی واژه‌ی فضل در نظر گرفته شده است که براین اساس، واژگانی همچون؛ ظلم، خسران، سوء، افتراء، عذاب، شرک، بخل، فحشاء و منکر، ضرّ، فقر، فساد، فقدان ولیّ و نصیر در مقابل واژه‌ی فضل قرار می‌گیرند که در تعیین مراد دقیق و تشخیص درست مصادیق مقابل واژه‌ی فضل در آیات مورد نظر کارآمد است.
- ۵- براساس اتفاق نظر معناشناسان بر شش نوع تقابل معنایی؛ مدرج، مکمل، دوسویه، جهتی، واژگانی، ضمنی و چندوجهی (تباین معنایی) در واژگان، نسبت تقابل فضل با واژگان؛ ظلم، خسران و سوء رابطه‌ی تقابل مدرج، کذب، عذاب، فحشاء و منکر، شرک و بخل رابطه‌ی تقابل مکمل، ضرّ و فقر رابطه‌ی تقابل دوسویه و فساد و فقدان ولیّ و نصیر رابطه‌ی تقابل واژگانی برقرار است. هرچند افزون بر رابطه‌ی تقابل مدرج میان فضل و ظلم، رابطه‌ی دوسویه بین این دو مفهوم نیز وجود دارد. میان دو مفهوم «شرک» و «عدم شرک» علاوه بر رابطه‌ی مکمل، رابطه‌ی تقابل واژگانی نیز قابل برداشت است. همچنین رابطه‌ی تقابل مکمل «بخل و فضل» و تقابل دوسویه «فضل و فقر» را می‌توان با توجه به کاربرد مفاهیم بخل و فقر با واژه‌ی فضل به صورت تفضیلی، از نوع تقابل مدرج به حساب آورد. پس با توجه به آیات موردنظر، موارد نامبرده همگی در میدان مقابل با فضل قرار می‌گیرند.

۵. منابع:

* قرآن کریم

- آلوسی، محمود، (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱)، المحکم والمحیط الأعظم، المحقق: عبدالحمید الہنداوی، بی جا، بی جا، دارالکتب العلمیۃ.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد، (۱۴۱۹)، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق احمد عبداللہ قرشی رسلان، قاہرہ، نشر دکتر حسن عباس زکی.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، النہایۃ فی غریب الحدیث و الأثر، چاپ چہارم، قم، مؤسسہ مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمدمہدی ناصح، بی جا، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر للطباعۃ و النشر و التوزیع، دار صادر.
- أحمد مختار، عبدالحمید عمر، (۱۴۲۹)، معجم اللغة العربیہ المعاصرہ، الطبعة الأولى، قاہرہ - مصر، عالم الکتب.
- الأزدی، أبوبکر محمد بن الحسن بن درید، (۱۹۸۷)، جمہرۃ اللغة، المحقق: رمزی منیر بعلبکی، الطبعة الأولى، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحریر و التنویر، بی جا، بی جا.
- الأزہری الہروی، أبو منصور محمد بن أحمد، (۲۰۰۱)، تہذیب اللغة، المحقق: محمد عوض مرعب، الطبعة الأولى، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، عبداللہ بن عمر، (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- پالمر، رابرٹ فرانک، (۱۳۸۱)، نگاہی تازه بہ معنی شناسی، ترجمہ ی کورش صفوی، چاپ سوم، تہران، انتشارات نشر مرکز.
- الجوہری الفارابی، أبو نصر اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیۃ، تحقیق عطار احمد عبدالغفور، چاپ چہارم، بیروت دارالعلم للملایین.
- جوادی آملی، عبداللہ، (۱۴۳۶)، تسنیم فی تفسیر القرآن الکریم، چاپ اول، قم، دارالاسراء.
- جانانان، کالر، فردینان دوسوسور، (۱۳۷۹)، ترجمہ ی کوروش صفوی، تہران، نشر ہرمس.
- چندلر، دانیل، (۱۳۸۷)، مبانی نشانہ شناسی، ترجمہ ی مہدی پارسا، تہران، سورہ ی مہر.

- الحيرى النيسابورى، أبى عبد الرحمن إسماعيل بن أحمد، (١٤٢٢)، *وجوه القرآن*، تحقيق دكتور نجف عرشى، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (١٤١٤)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
- الحنفی الرازی، زین الدین أبو عبد الله محمد بن أبی بکر بن عبد القادر، (١٤٢٠)، *مختار الصحاح*، المحقق یوسف الشیخ محمد، الطبعة الخامسة، بیروت - صیدا، المكتبة العصرية - الدار النموذجية.
- دامغانی، حسین بن محمد، (بی تا)، *کتاب الوجوه والنظائر*، جمهوریة مصر العربیة، بی جا، قاهره - مصر، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الإسلامية، لجنة إحياء التراث الإسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (١٤١٢)، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة.
- زمخشری، محمود، (١٤٠٧)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، چاپ سوم، بیروت، دار الكتاب العربی.
- -----، (١٩٧٩)، *اساس البلاغة*، چاپ اول، بیروت، دار صادر.
- زین الدین الرازی، محمد بن ابی بکر، (١٤٢٩)، *معجم مختار الصحاح*، تصحیح محمد نبیل طریفی، بیروت - لبنان، دار صادر.
- شریعتمداری، جعفر، (بی تا)، *شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه*، چاپ چهارم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- الشرتونی اللبناني، سعید، (١٤١٦)، *أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد*، الطبعة الأولى، بی جا: الأسوه.
- صفوی، کورش، (١٣٨٧)، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران، انتشارات سوره مهر.
- -----، (١٣٨٤)، *فرهنگ توصیفی معناشناسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
- -----، (١٣٨٠)، *گفتارهایی در زبان شناسی*، تهران، هرمس.
- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، (١٤١٤)، *المحیط فی اللغة*، چاپ اول، بیروت، عالم الكتاب.
- طباطبائی، محمد حسین، (١٤١٧)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (١٣٧٥)، *مجمع البحرين*، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التیان فی تفسیر القرآن*، بی جا، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (١٣٧٢)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- -----، (١٣٧٧)، *تفسیر جوامع الجامع*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه ی علمیه قم.
- طبیب، عبد الحسین، (١٣٧٨)، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
- العسکری، أبو هلال حسن بن عبد الله، (١٤٢٨)، *الوجوه والنظائر لأبى هلال العسکری*، حققه و علق علیه: محمد عثمان، الطبعة الأولى، القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية.
- -----، (١٤١٩)، *الصناعتین الکتابه والشعر*، تحقیق علی محمد بجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، بیروت - لبنان، المكتبة العصرية.

- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵)، *قاموس المحيط*، بی‌جا، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیة.
- فردینان، دوسوسور، (۱۳۸۷)، *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه‌ی کوروش صفوی، تهران، نشر هرمس.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹)، *کتاب‌العین*، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- فیومی، أحمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، (۱۴۱۴)، چاپ دوم، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *تفسیر أحسن‌الحديث*، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، اجتماعی و تربیتی.
- -----، (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸)، *تفسیر بیان‌السعادة فی مقامات‌العبادة*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.
- گیرتس، دیرک، (۱۳۹۵)، *نظریه‌های معناشناسی واژگانی*، ترجمه‌ی کوروش صفوی، تهران، انتشارات علمی.
- لاینز، جان، (۱۳۵۷)، *چومسکی*، ترجمه‌ی احمد سمیعی، تهران، خوارزمی.
- لاینز، جان، (۱۳۹۱)، *درآمدی بر معناشناسی زبان*، ترجمه‌ی کوروش صفوی، تهران، نشر علمی.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰)، *تفسیر روشن*، چاپ اول، تهران، مرکز نشر کتاب.
- -----، (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات‌القرآن‌الکریم*، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطلوب، احمد، (بی‌تا)، *معجم‌المصطلحات‌البلاغیة و تطورها*، چاپ اول، بیروت - لبنان، مکتبة لبنان ناشرون.
- مصطفی، ابراهیم، (۱۹۸۹)، *المعجم‌الوسیط*، بی‌جا، استانبول - ترکیه، دارالدعوه.
- مولی عبدالله بن شهاب‌الدین‌الحسین‌الیزدی، (۱۴۱۲)، *الحاشیة علی تهذیب‌المنطق*، چاپ دوم، قم، مؤسسه‌النشرالإسلامی.
- مظفر، محمد رضا، (۱۳۶۶)، *المنطق*، قم: اسماعیلیان.

- Hurford, James R, Brendan Heasley & Michael B. Smith., *Semantics: A*

Coursebook, Cambridge: Cambridge University Press, (2007)